

## در باره زندگی رفیق شهید رضا بهفر



در راه رهایی کارگران و توده های ستمدیده میهنمان از سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، انقلابیون بسیاری جان خود را فدا کرده اند. چریک فدایی خلق رفیق شهید رضا بهفر یکی از این انقلابیون جان بر کف بود که با خون خود درخت تنومند انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلق های میهن مان را آبیاری نمود.

رفیق رضا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ در یک خانواده متوسط در شهر بابل بدنیا آمد. هنگام تولد ، پدرش به دلیل مبارزه با رژیم شاه مزدور در زندان بسر می برد و مادرش مجبور بود فشار و مصائب بی شمار زندگی خانواده را به تنهایی بر دوش بکشد. رفیق رضا در سن ۷ سالگی مادرش را از دست داد و با مرگ او هر چه بیشتر مشکلات زندگی بر دوشش سنگینی نمود. رفیق زمانی که دوران دبیرستان را طی می کرد با قانون مندی های ذاتی نظام طبقاتی و با مظالم حاکم بر جامعه هر چه بیشتر آشنا شد و به سهم خویش در مبارزه با ظلم و زوری که در حق هموعانش روا می شد به مبارزه برخاست. در این دوره وقتی یکی از هم مدرسه ای های او که در کلاسی بالاتر درس می خواند را به دلیل خواندن انشائی افشاگرانه به ساواک بردند در حمایت از او چنان اعتراضی در مدرسه به راه انداخت که ناظم مدرسه به خانواده رفیق رضا اطلاع داد که اگر آشنائی با شما نبود او را هم به ساواک معرفی می کردیم. رفیق رضا بهفر پس از اخذ دیپلم به خدمت سربازی رفت و دوره خدمتش را به عنوان سپاهی دانش در یکی از روستاهای رحیم آباد رامسر بنام "خراسان پشته" گذرانید. اهالی این روستا که در بلندترین نقطه کوهستانی آن منطقه واقع شده بود در وضعیت زیست و معیشت دهشتناکی به سر می بردند. زندگی در روستا باعث گردید تا رفیق رضا تضادهای طبقاتی را بطور هرچه عینی تر و ملموس تر مشاهده نماید. وی با دیدن واقعیات تلخ زندگی روستائیان منطقه رحیم آباد رامسر که تنها منعکس کننده گوشه ای کوچک از فقر و ستم حاکم بر زندگی زحمتکشان میهن مان بود ، خشم مبارزاتیش هرچه بیشتر تعمیق یافت و نفرتش بر علیه مظالم و تعدیات حاکمین وقت صدچندان گشت. رفیق بهفر این یار صدیق کارگران و زحمتکشان لحظه ای از کمک به روستائیان باز نمی ایستاد و حتی حقوق ماهیانه اش را جهت تامین احتیاجات شاگردانش و تهیه میز و نیمکت و کتاب برای مدرسه و دارو برای روستائیان خرج می نمود.

پایان دوره سپاهی دانش رفیق رضا ، همزمان بود با آغاز مبارزات قهرمانانه خلق های مبارزمان که در تداوم خویش به قیام شکوهمند بهمن ۵۷ منجر شد. رفیق رضا فعالانه در این مبارزات شرکت نمود و لحظه‌ای از فعالیت باز نایستاد. او که از محبوبیت خاصی در بین جوانان شهر بابل و بویژه محله "چهارشنبه پیش" این شهر برخوردار بود همواره مشوق جوانان دیگر به مبارزه بود و با کمک آنان راهپیمایی‌ها و تظاهرات هایی را علیه رژیم وابسته شاه سازمان می داد. رفیق رضا در ادامه فعالیت های مبارزاتیش در سال ۵۷ بدلیل پخش اعلامیه از سوی مزدوران شاهنشاهی دستگیر شد ، لیکن پس از چند روز ، مزدوران به دلیل شرایط آن روز جامعه به ناچار وی را آزاد ساختند.

پس از سرنگونی رژیم شاه خائن و بقدرت رسیدن سگان زنجیری جدید ، یعنی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی ، رفیق رضا که عشق عمیقی به توده‌های ستم‌دیده و اعتقادی راسخ به نیروی لایزال آنان داشت تصمیم گرفت که در تماس نزدیکتری با آنان قرار گیرد. لذا به عنوان معلم به روستایی از توابع بابل رفت. رفیق رضا در دوران زندگیش در این روستا با الهام از آموزش های رفیق صمد بهرنگی چنان برخوردهای صمیمانه‌ای از خود نشان داد و چنان مسئولانه با مسائل و مشکلات روستائیان برخورد نمود که به زودی به عنوان یک انقلابی کمونیست در قلب روستائیان جای گرفت. تاثیرات برخوردهای انقلابی و آگاه‌گرانه رفیق با روستائیان به حدی چشمگیر بود که آنان همواره از وی بعنوان بهترین یار و یاور خود یاد می کردند. سخنان زحمتکشان روستا خطاب به فرماندار و رئیس آموزش و پرورش استان که آن زمان برای بازدید به آن جا رفته بودند ، نمونه‌ای بارز از این تاثیرات است. در آن دیدار روستائیان از رفیق بهفر چنین یاد کردند: "او یک کمونیست است ، ولی چه اشکالی دارد نماز نمی خواند ، در همه کارها با ماست و در همه کارها شرکت می کند ، هیچکس در عرض این چند سال مثل او نیامده که مرتب در ده باشد و در کارهای کشاورزی و دامداری کمک‌مان کند". تاثیرات برخوردهای صمیمانه و انقلابی رفیق رضا از این حد نیز فراتر رفته و حتی فرماندار یادشده نیز که بنا بر فضای توهمی که در آن دوران نسبت به رژیم تازه به قدرت رسیده وجود داشت ، از هواداران دولت به شمار می رفت در تناقض قرار گرفته و گفته بود: "اگر کمونیست بده پس این کیه که تمام روستائیان تصدیقش میکنند!؟".

رفیق رضا این انقلابی پاک‌باخته که بنابر مشاهداتش اعتقاد یافته بود رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم شاه وابسته به امپریالیسم است و می بایست علیه آن به مبارزه برخاست نسبت به سیاست های مماشات طلبانه اپورتونیست های لانه کرده در سازمان چریکهای فدایی خلق معترض بود و سیاست های آن ها را در تقابل با آرمان های انقلابی چریکهای فدائی و مطالبات پاسخ داده نشده کارگران و توده های ستم‌دیده می دید. به همین دلیل هم به دنبال مرزبندی چریکهای فدایی خلق با اپورتونیست های لانه کرده در "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" دوره بعد از قیام بهمن ، از زمره اولین کمونیست هائی بود که به شکل "چریکهای فدائی خلق ایران" پیوست تا تمامی هم خویش را صرف پیشبرد خط مشی انقلابی بنیانگذاران کبیر سازمان یعنی رفقا امیر پرویز پویان ، مسعود احمد زاده و عباس مفتاحی قرار دهد.

رفیق رضا که همواره آرزو داشت در مبارزه با دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان نقش هرچه مؤثرتری داشته باشد به دنبال یورش رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به خلق دلاور گُرد ، از سوی سازمان به گُردستان اعزام شد و به این ترتیب امکان یافت در بطن جنبش خلق گُرد با مبارزه مسلحانه توده ای ای که در گُردستان جاری بود آشنا و فعالانه در آن درگیر شود. چریک فدایی خلق ، رفیق رضا بهفر پس از طی دوره آموزش های سیاسی - نظامی در پایگاه آموزشی سازمان در گُردستان ، به عنوان رزمنده‌ای دلیر به مضاف با دشمنان خلق شتافت و قهرمانانه در درگیری های انقلاب بر علیه ضدانقلاب که اینک با سیمایی دیگر وارد میدان

شده بود شرکت نمود. سرانجام رفیق رضا بهفر در ۱۸ شهریور سال ۱۳۵۹ در مقابله با ستون عظیمی از مزدوران جمهوری اسلامی که در نزدیکی سردشت به مناطق آزاد و تحت کنترل رزمندگان یورش آورده بودند در جریان یکی از خونین‌ترین و حماسی‌ترین درگیری‌های پیشمرگان خلق کُرد، پس از روزها نبرد و دلاوری‌های بسیاری که از خود نشان داده بود، بر اثر اصابت خُمپاره به سنگرش به شهادت رسید.

شهادت رفیق رضا بهفر، این پیشمرگه قهرمان در آخرین نبرد دلاورانه اش در کُردستان انقلابی نشان دهنده تلاش بی دریغ انقلابیون کمونیست، چریک‌های فدائی خلق جهت پیشبرد جنبش عادلانه خلق کُرد بوده و از عزم راسخ و ایمان خلل ناپذیر آنان به حقانیت مبارزه توده‌ها برای نابودی رژیم‌های وابسته‌ای همچون جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش حکایت می‌کند.

یاد چریک فدایی خلق رفیق شهید رضا بهفر همواره در قلب کارگران و زحمتکشانش و خلق‌های مبارزمان جاودانه خواهد ماند و خونش تعهد همزمانش را در تداوم راهش صدچندان خواهد کرد.

**یاد رفیق شهید رضا بهفر گرامی و راهش پر رهرو باد!**